

# راهکارهای گسترش فرهنگ وقف و شرایط آن

عبدالکریم پاک نیا تبریزی

الْخَيْرَاتِ؛<sup>۱</sup> «در کارهای خیر مسابقه دهید.» یا اینکه در آیه ۶۱ سوره مؤمنون می فرماید: ﴿أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ﴾؛ «اهل ایمان در کارهای نیک شتاب می ورزند و در انجام آنها سبقت می جویند.»

«خیرات»، یک واژه عام است که شامل: تعاون، انفاق، اطعام، احسان و کلاً هر موردی که انسان برای رضای خدا قدم بر می دارد می شود. و یکی از

یکی از ویژگیهای نظام حقوقی و اقتصادی اسلام فرهنگ حسنه وقف است، که در متون دینی ما به طور گسترده ای مطرح است؛ البته در قرآن کلمه وقف به صورت مصطلح به کار برده نشده است؛ اما واژه ها و عبارات عامی داریم که یکی از موارد آنها را می توانیم وقف بدانیم؛ مثل کلمه «خیرات» که در قرآن آمده است؛ قرآن انسان را به «خیرات» تشویق می کند و می فرماید: ﴿فَاسْتَبِقُوا

۱. بقره / ۱۴۸.

موارد آن، «وقف» است.

آیات دیگری نیز هست که تقریباً به وقف با معنای خاص فقهی اشاره دارد؛ از جمله آیه ۴۶ سوره کهف که می‌فرماید: ﴿الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمْلاً﴾؛ «مال و فرزندان زینت زندگی دنیا است؛ و باقیات صالحات (ارزشهای پایدار و شایسته) ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امیدبخش‌تر است.»

مال و فرزند زینت زندگی دنیا است؛ اما باقیات الصالحات که یک مورد آن یقیناً وقف می‌باشد، ارزشهای پایدار و شایسته‌ای است که انسان برای خدا انجام می‌دهد.

اساساً وقف، یک نوع عبادت خاص است و در آن قصد قربت لازم است. در روایات آمده است که وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام وقفی را انجام می‌داد، در وقف‌نامه این‌گونه می‌نوشت: «علی

این چشمه را وقف کرده تا اینکه خداوند او را از آتش جهنم نجات دهد.» ایشان و سایر ائمه علیهم السلام وقف را به صورت عبادت مطرح می‌کردند که در روز قیامت ذخیره‌ای برای آنها باشد. در روایتی آمده است:

بعضی از غلامان به حضرت علی علیه السلام خبر دادند که آب چشمه یکی از باغهای حضرت علیه السلام، آن قدر با برکت است که مانند گردن شتر می‌جوشد. امام علیه السلام سه مرتبه فرمود:

«وارث آن چشمه را مژده دهید. سپس حضرت علیه السلام چند گواه طلبید و آنان را گواه گرفت که این چشمه را در راه خدا وقف کردم تا پایان دنیا.» و فرمود: «إِنَّمَا فَعَلْتُ ذَلِكَ لِيَصْرِفَ اللَّهُ عَنْ وَجْهِهِ النَّارَ؛ این کار را کردم تا خداوند آتش جهنم را از چهره من دور کند.» معاویه بعد از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام، همان نخلستان را از حضرت امام حسن علیه السلام به دویست

هزار دینار خواست تا خریداری کند. حضرت مجتبی علیه السلام فرمود: «هرگز چیزی از آن را نمی‌فروشم؛ چون که پدرم آن را در راه خدا وقف کرده است.»<sup>۱</sup>

البته به علت نیازهای جامعه، مقوله‌های وقف تعدد پیدا می‌کند؛ چون وقف، محدوده خاصی ندارد و می‌توان آن را به تمام نیازهای جامعه سرایت داد؛ زیرا مراد از وقف، امری است که به رفع نیازهای جامعه در راستای کمال و سلامت مادی و معنوی آن کمک کند؛ وقف مدرسه، حوزه‌های علمیه، کتاب و کتابخانه، توسعه مراکز عبادی مثل مسجد، یا محل ترویج معارف اسلامی برای عزاداریها، و یا رفاه عمومی و اقتصادی مثل وقف قنات و آب و

اراضی کشاورزی و توسعه مراکز بهداشتی و درمانی جامعه از جمله مصادیق وقف است.

#### الف. راهکارهای ترویج وقف

می‌توان از راههای مختلفی، سنت حسنه وقف را ترویج و گسترش داد که برخی از آنها عبارت‌اند:

#### ۱. تبیین آیات وقف برای متمولین

##### متدین

اگر ما بتوانیم مردم را از فوائد بی‌شمار معنوی و مادی وقف آگاه سازیم، قطعاً نتیجه مثبت خواهیم گرفت؛ چرا که وقتی مردم معتقد، با شنیدن کلام خدای سبحان و باور کردن وعده‌های قرآن و اهل بیت علیهم السلام مشتاقانه از جان و مال و فرزندان خود می‌گذرند، مطمئناً در وقف اموال نیز پیش قدم خواهند شد.

برخی از این آیات وقف

عبارت‌اند از:

- آیه ۴۶ از سوره کهف که گذشت.

۱. إرشاد القلوب إلى الصواب، شیخ حسن دیلمی، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ ه.ق، ج ۱، ص ۱۰۵.

«قرض الحسنه» دهید و [بدانید] آنچه را از کارهای نیک برای خود از پیش می‌فرستید، نزد خدا به بهترین وجه و بزرگ‌ترین پاداش خواهید یافت.»

- «كَيْسَ الْبِرِّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَ لَا كِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبِيِّنَ وَ ءَاتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوَى الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقَابِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ ءَاتَى الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْتُونَ بَعْدَهُمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»؛ «نیکی آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید؛ بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورده؛ و مال خود را با وجود علاقه‌ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در

- «وَ يَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ مَرَدًّا»؛<sup>۱</sup> «کسانی که در راه هدایت گام نهاندند، خداوند بر هدایتشان می‌افزاید و آثار شایسته‌ای که از انسان باقی می‌ماند، ثوابش در پیشگاه پروردگارت بهتر، و عاقبتش خوبتر است!»

- «عَلِمْتَ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَ أُخِّرَتْ»؛<sup>۲</sup> «[در آن زمان،] هر کس می‌داند آنچه را از پیش فرستاده و آنچه را برای بعد گذاشته است.»

- «فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ ءَاتُوا الزَّكَاةَ وَ أَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَ مَا تَقَدَّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَ أَكْبَرُ أَجْرًا»؛<sup>۳</sup> «پس به اندازه‌ای که برای شما ممکن است، از قرآن تلاوت کنید و نماز را بر پا دارید و زکات بپردازید و به خدا

۱. مریم/۳۶.

۲. انفطار/۵.

۳. مزمل/۲۰.

۴. بقره/۱۷۷.

را در راه خدا انفاق می‌کنند، سپس به دنبال انفاقی که کرده‌اند، منت نمی‌گذارند و آزاری نمی‌رسانند، پاداش آنها نزد پروردگارشان محفوظ است؛ و نه ترسی دارند، و نه غمگین می‌شوند.»

## ۲. بیان سیره و سخن اهل بیت علیهم‌السلام در

### زمینه وقف

از آنجایی که مردم متدین جامعه، اهل بیت علیهم‌السلام را به عنوان الگوی کامل پذیرفته‌اند، راه و روش آن گرامیان برای مردم از اهمیت والایی برخوردار است؛ به این جهت بیان سیره و سخن آنان تأثیر به‌سزایی در تمایل مردم به سوی وقف خواهد داشت.

همچنان که می‌دانیم، ائمه اطهار علیهم‌السلام در وقف کردن پیشرو بودند و وقفهایی هم که انجام می‌دادند متنوع بوده است؛ مثلاً آب چشمه برای رهگذران، زمینهایی که درآمد آن صرف فقرا و ایتم شود، باغهایی که مردم از میوه آن استفاده کنند و ...

راه‌ماندگان و گدایان و در [راه آزاد کردن] بندگان انفاق کند؛ و نماز را برپای دارد، و زکات را بدهد؛ و آنان که چون عهد بندند، به عهد خود وفا می‌کنند و در سختی و زیان، و به هنگام جنگ استقامت به خرج می‌دهند؛ آنان کسانی هستند که راست گفته‌اند، و آنان همان پرهیزگاران‌اند.»

- ﴿لَنْ تَسْأَلُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تَحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾<sup>۱</sup> «هرگز به حقیقت نیکوکاری نمی‌رسید؛ مگر اینکه از آنچه دوست می‌دارید، در راه خدا انفاق کنید و آنچه انفاق می‌کنید، خداوند از آن آگاه است.»

- ﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذَى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾<sup>۲</sup> «کسانی که اموال خود

۱. آل عمران/۹۲.

۲. بقره/۲۶۲.

مکان، در راه خدا صدقه [وقف] قطعی می‌شود به حاجیان بیت الله و عابران از این گذرگاه؛ هرگز فروخته نمی‌شود، بخشیده نمی‌گردد و ارث برده نمی‌شود؛ هر کس اینجا را بفروشد یا ببخشد، لعنت خدا و فرشتگان و مردم همگی بر او باد! و خداوند هیچ عمل خیری را از او نمی‌پذیرد.»

#### وقف خانه برای نیازمندان

امام صادق علیه السلام فرمود: «امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام خانه خود را که در محله بنی زریق مدینه بود، وقف کرد، و وقفنامه‌اش را این‌گونه انشاء فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا مَا تَصَدَّقَ بِهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَهُوَ حَتَّى سَوَى تَصَدَّقَ بِدَارِهِ الَّتِي فِي بَنِي زُرَيْقٍ صَدَقَةً لَأُتْبَاعٍ وَلَا تُوهَبُ وَلَا تُورَثُ حَتَّى يَرِثَهَا اللَّهُ الَّذِي يَرِثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَسْكَنَ هَذِهِ الصَّدَقَةَ خَالَاتِهِ مَا عِشْنَ وَعَاشَ عَقِيبَهُنَّ فَإِذَا انْقَرَضُوا فَهِيَ لِذَوِي الْحَاجَةِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ

امامان علیهم السلام ما نیازهای جامعه را با وقف تأمین می‌کردند و اهداف فرهنگی و تعلیم و تعلم را در نظر داشتند، چنان‌که این کار را مسلمانان در طول تاریخ از اهل بیت علیهم السلام یاد گرفتند.

به عنوان نمونه به چند مورد از وقفها و آداب و شرایط آن در سیره اهل بیت علیهم السلام اشاره می‌کنیم:

#### وقف زمین و آب برای رفاه مردم

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله غنیمتها را تقسیم کرد و سهم علی علیه السلام قطعه زمینی بود که در آن چشمه‌ای جاری ساخت که از آن آبی مثل گردن شتر فوران کرد و آن را ینبع نامید. حضرت علیه السلام آنجا را وقف کرد و فرمود: «هِيَ صَدَقَةٌ بَتَّةً بَتَّلَا فِي حَجَّيجِ بَيْتِ اللَّهِ وَ عَابِرِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُبَاعُ وَلَا تُوهَبُ وَلَا تُورَثُ فَمَنْ بَاعَهَا أَوْ وَهَبَهَا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهُ صَرْفًا وَ لَا عَدْلًا؛<sup>۱</sup> این

۱. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دار الکتب الاسلامیه ۱۳۸۸ ق، ج ۷، ص ۵۴.

از آنجایی که مردم متدین جامعه، اهل بیت علیهم السلام را به عنوان الگوی کامل پذیرفته‌اند، راه و روش آن گرامیان برای مردم از اهمیت والایی برخوردار است؛ به این جهت بیان سیره و سخن آنان تأثیر به‌سزایی در تمایل مردم به سوی وقف خواهد داشت

وقف مجتمع رفاهی برای نیازمندان و

نسل آینده

در تاریخ زندگانی امام هفتم علیه السلام آمده است که آن گرامی، زمینی آباد را با تمام امکانات رفاهی برای نیازمندان و فرزندان خویش وقف نمود و متن وقفنامه چنین است:

«موسی بن جعفر زمینش در فلان

شَهِدَ اللَّهُ وَ...<sup>۱</sup> این چیزی است که علی بن ابی طالب علیه السلام در حال حیات سلامت خود آن را تصدق [وقف] کرده است؛ او خانه خود که در محله بنی زریق<sup>۲</sup> واقع است، به صورت صدقه‌ای [وقفی] درآورده است؛ که به فروش نمی‌رود، و بخشیده نمی‌شود، و به ارث برده نمی‌گردد، تا وقتی که خدای وارث آسمانها و زمین آن را به ارث ببرد؛ و او خاله‌هایش را در آن موقوفه سکونت داده است، تا هر زمان که ایشان و عقبابشان زندگی کنند؛ پس چون ایشان منقرض شوند، این خانه به نیازمندان از مسلمین تعلق دارد؛ خدا و فلان و فلان بر این وقف شهادت داده‌اند.»

۱. من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، مؤسسه

الاعلمی، بیروت، ج ۴، ص ۲۴۸.

۲. بنو زریق طایفه‌ای از انصار در مدینه‌اند.

مکان، که مشخصات و حدّ و مرز آن چنین و چنان است، تمامی آن زمین، نخلهای آن، قسمتهایی که ساختمانی در آن نیست، آب موجود در آن، گوشه و کنار آن، حقّ و نوبت آب آن، و هر حقّ دیگری که در بلندیها و بیشه آن می‌باشد، و نیز تمام امکانات و سرویس موجود در آن (مثل آشپزخانه، آبریزگاه، حمام، راه و غیره)، و نیز قسمت روباز و مسیل آن، قسمت آباد و قسمت لم یزرع آن، همگی اینها را به اولاد بلافصل خود - چه زن، چه مرد - وقف نمود؛ سرپرست این زمین، منافع آن را بعد از مخارج لازمه، برای آبادانی و حفظ آن و نیز به استثنای منافع سی اصل درخت که بین فقرای اهل روستا تقسیم می‌شود، بقیّه را بین اولاد موسی بن جعفر علیه السلام تقسیم می‌کند؛ به گونه‌ای که هر پسر دو برابر دختر سهم ببرد، هر یک از دختران موسی

بن جعفر که ازدواج کرده سهمش از این وقف قطع گردد، تا زمانی که شوهرش را (به مرگ یا طلاق) از دست بدهد، که در این صورت سهم او مانند دخترانی است که هنوز ازدواج نکرده‌اند؛ هر کدام از فرزندان موسی که فوت کنند، اگر فرزندی داشتند فرزندانشان سهم پدر خود را به ارث می‌برند، پسر دو برابر دختر، همان‌طور که موسی بین اولاد بلافصل خود شرط کرده است، و هر یک که فوت کردند و فرزندی نداشتند سهم او به سهم بقیّه اضافه شود؛ نوه‌های دختری در این وقف سهمی ندارند، مگر اینکه پدرانشان از فرزندان من باشند، و تا وقتی احدی از اولاد و نسل من باقی باشد کسی در این وقف سهمی ندارد. اگر همگی آنان از بین رفتند و کسی باقی نماند، این مال وقف است بر خواهران و برادران تنی (پدری و مادری) من، مادامی که



کسی از آنان باقی باشد؛ به همان روشی که بر اولاد و نسل خودم شرط کردم. اگر خواهر و برادران تنی از بین رفتند و منقرض شدند، این مال وقف خواهد بود بر خواهران و برادران پدری و نسل آنان مادامی که کسی از ایشان باقی باشد؛ و اگر از ایشان هم کسی باقی نماند، این مال وقف است بر خویشان و اقارب، هر کدام که از دیگری به من نزدیک‌تر باشند، تا زمانی که دیگر کسی روی زمین زنده نباشد (؛ یعنی تا قیامت). موسی بن جعفر در حال صحت و سلامت این مال را بی‌هیچ شک و شبهه‌ای به حق و به طور قطعی و برای طلب مرضات خدا و نعیم اخروی وقف نمود و هیچ بازگشتی در آن نیست. (و استثناء بردار نمی‌باشد) و برای هیچ مؤمنی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، جایز نیست که آن را بفروشد یا بخرد یا

ببخشد یا به کسی بدهد و یا موارد مشخص شده آن را تغییر دهد، تا زمانی که انسان و هر چه در روی زمین است عمرش به سر آید و خداوند وارث آن گردد. اختیار این وقف به دست «علی» و «ابراهیم» است. اگر یکی از این دو فوت کرد، «قاسم» به جای او خواهد بود؛ اگر یکی از آنان فوت کرد، «اسماعیل» جای او خواهد بود؛ اگر از بین این دو، یکی فوت کرد، «عبّاس» به جای او باشد؛ و اگر یکی از این دو فوت کرد، فرزند بزرگ‌تر از بقیه به جای او بیاید؛ و اگر فقط یک نفر از نسل من باقی باشد، او سرپرستی این وقف را به عهده گیرد.» راوی گوید: «امام رضا علیه السلام فرمودند: پدرم، اسماعیل را که از عبّاس کوچک‌تر بود بر عبّاس مقدم داشتند.»<sup>۱</sup>

۱. عیون أخبار الرضا، شیخ صدوق، منشورات

### ۳. مشخص کردن نیازهای روز جامعه

سومین راهکار، می‌تواند روشن شدن مصادیق وقف در عصر ما باشد؛ یعنی علاوه بر اینکه با آیات و روایات، مردم به سوی وقف ترغیب می‌شوند، باید نمونه‌های عینی نیازهای جامعه را در مقابلشان قرار داد، تا آنان ضمن علاقه‌ای که به وقف پیدا کرده‌اند مشکلات و نیازها را لمس نمایند و در این راه قدم‌هایی بردارند؛ و برای دنیا و آخرت خود و نسل آینده‌شان در این زمینه تلاش کنند.

### ۴. مطمئن کردن مردم به آینده

#### موقوفات

مردم نباید در مورد عملکرد متولیان وقف، تردید داشته باشند؛ آنان باید اطمینان کامل پیدا کنند که اموال موقوفه آنها پایمال نخواهد شد و در

---

جهان، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۳۸؛ بحار الأنوار، علامه محمد باقر مجلسی، مؤسسة الوفا، ج ۴۸، ص ۲۸۱.

مسیر ارزشی خود استفاده می‌شود. همچنان‌که خداوند متعال پایداری و سود اخروی آن را تضمین فرموده، متولیان وقف نیز با عملکرد مخلصانه این را ثابت کنند.

عدم اطلاع از بهره‌های مادی و معنوی وقف و عدم اطمینان از بهره‌گیری صحیح و رعایت نکردن آداب وقف، از موانع مهم تمایل به وقف کردن در عصر ما است.

### ۵. بیان آثار وقف

تأکید بر آثار وقف، در مطرح شدن، پذیرش و ترویج وقف، تأثیر فراوانی دارد. باید مردم را آگاه کنیم که وقف، سنت حسنه‌ای است که فقرزدایی کرده و فاصله طبقاتی را کاهش می‌دهد. کسانی که ثروتمند هستند، در راه احیاء فقرا و کمک به نیازمندان وقف می‌کنند؛ که این اقدام عدالت اجتماعی را در پی دارد. این افراد از امکاناتی که خود برخوردارند، دیگران را نیز برخوردار می‌کنند؛

مخصوصاً با وقف مراکز عبادی، آموزشی، رفاهی و بهداشتی می‌توان فرهنگ وقف را در جامعه رونق داد.

#### ب. آداب و شرایط وقف

##### ۱. از اموال دوست داشتنی و محبوب

قرآن می‌فرماید: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾<sup>۱</sup> «هرگز به [حقیقت] نیکوکاری نمی‌رسید، مگر اینکه از آنچه دوست می‌دارید، [در راه خدا] انفاق کنید؛ و آنچه انفاق می‌کنید، خداوند از آن آگاه است.» وقف هم که یکی از بهترین مصادیق برّ و نیکوکاری است، حتماً باید از اموال محبوب و دوست داشتنی واقف باشد و گرنه اموال بی‌خاصیت و بی‌ارزش، در نزد خداوند چندان جایگاهی ندارد. اموالی را هم که در دسترس انسان بوده و الآن از دستش بیرون می‌رود و او از روی ناچاری آن را

وقف می‌کند، فایده چندانی ندارد.

##### ۲. پاک بودن منابع

از مهم‌ترین شرایط اموالی که وقف می‌شود، اولاً مالکیت شرعی واقف بر آن اموال و ثانیاً شبهه‌ناک نبودن مال موقوفه است؛ زیرا مال غیرمشروع هرگز پذیرفته نمی‌شود. این آیه قرآن است که می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾<sup>۲</sup> «خداوند فقط از تقوایندگان می‌پذیرد.» بر این اساس کارهای نیک و اعمال صالح و خیرات همانند وقف، باید از منابع پاک و حلال و خالص واقف باشد؛ وگرنه نه تنها ثمره و بهره‌ای برای واقف نخواهد داشت، بلکه برعکس موجب گناه و عذاب اخروی و مصداق اکل مال به باطل خواهد بود.

##### سخن مهم امام حسین علیه السلام

در روایات آمده است: هنگامی که به امام حسین علیه السلام خبر دادند «عبدالله

۱. آل عمران / ۹۲.

۲. مائده / ۲۷.

بن عامر» - از کارگزاران بنی امیه - چنین و چنان وقف کرده و عده زیادی برده آزاد کرده است، فرمود: «مَثَلُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ هَمَانٌ كَسَىٰ خَدَّيْهِمَا حَبَابَ الْوَحْشِ وَ سَمِعَ سَمْعَ الْوَحْشِ وَ سَمِعَ سَمْعَ الْوَحْشِ وَ سَمِعَ سَمْعَ الْوَحْشِ»<sup>۱</sup> (وقف) پاکیزه، صدقه کسی است که در راه کسب آن پیشانی‌اش عرق کرده و صورتش غبارآلود شده است.» وقتی از امام صادق علیه السلام سؤال شد: «منظور حضرت سید الشهداء علیه السلام چه کسی بوده است؟» فرمود: «علی بن ابی طالب علیه السلام».

#### دزدی و صدقه

امام صادق علیه السلام فرمود: «شنیده بودم، مردم ساده لوح شخصی را می‌ستایند و به بزرگی از او یاد می‌کنند؛ و من

مشتاق گشتم تا از نزدیک او را ببینم؛ اما به گونه‌ای که مرا شناسد تا شخصیت او را ارزیابی کنم. اتفاقاً روزی او را در مکانی دیدم که جمعیت زیادی از عوام گردش جمع شده بودند؛ چهره‌ام را پوشاندم و به‌طور ناشناس به میان آنها رفتم تا نظاره‌گر او و مردم پیرامون او باشم. پیوسته به اطوار و نیرنگ، مردم را فریب می‌داد؛ سپس به‌راه افتاد و مردم به دنبالش رفتند تا به جایی رسید که از مردم جدا شد. مردم برگشته و پی کار خود رفتند؛ اما او دیگر برنگشت و همچنان می‌رفت. به دنبالش رفتم، در بین راه به دکان نانواایی رسید؛ در آنجا توقف کرد. به محض آنکه نانوا به کاری مشغول گردید، دو عدد نان دزدید و راه افتاد. من تعجب کردم؛ ولی با خود گفتم: شاید با نانوا داد و ستدی دارد؛ آن‌گاه به شخصی رسید که انار داشت، او را هم غافلگیر کرده و سپس دو عدد انار برداشت. این

۱. مستدرک الوسائل، محدث نوری، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۲۴۴.

عملش نیز تعجبم را برانگیخت؛ اما با خود اندیشیدم که شاید با یکدیگر حسابی دارند. با خود گفتم: چه نیازی او را وادار به دزدی کرده است؟ چرا وقتی خود را از چشم نانوا و انار فروش دور می‌دید، چنین کاری انجام می‌داد؛ همچنان به دنبال او رفتم، تا در خرابه‌ای به بیماری رسید؛ دو قرص نان و دو انار را جلوی او نهاد و رفت؛ من هم به دنبالش رفتم تا در نقطه‌ای از بیابان ایستاد. خود را به او رساندم و گفتم: ای بنده خدا! آوازه نیکی تو را شنیده و مایل بودم که از نزدیک ببینم. حال به دیدارت آمدم؛ ولی کار عجیبی از تو مشاهده کردم که فکرم را پریشان ساخته است. از تو می‌پرسم که برایم توضیح دهی تا خیالم آسوده شود. گفت: چه دیدی؟ گفتم: تو را دیدم که به نانوايي رسیدی و از او دو نان دزدیدی! و از انار فروش گذر کردی، از او نیز دو انار به سرقت بردی؟! امام علیه السلام فرمود:

در پاسخ من گفت: پیش از هر چیز به من بگو تو کیستی؟ گفتم: یکی از فرزندان آدم علیه السلام، از امت محمد صلی الله علیه و آله. بار دیگر گفت: از چه کسانی؟ گفتم: فردی از دودمان پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله. پرسید: در کجا زندگی می‌کنی؟ گفتم: مدینه.

گفت: شاید تو جعفر بن محمد فرزند علی بن حسین بن علی بن ابی طالب هستی؟ گفتم: آری. گفت: ولی این شرافت خانوادگی برایت سودی نخواهد داشت با این ناآگاهی به آنچه مایه شرافت تو است؛ علم جدّ و پدرت را کنار گذاشته‌ای؟ اگر چنین نبود چگونه عملی را که انجام دهنده‌اش شایسته ستایش و سپاسگزاری است آن را ناپسند شماری؟ گفتم: آن چیست؟ پاسخ داد: کتاب خدا، قرآن. گفتم: چه چیز آن را ندانسته‌ام؟

گفت: فرموده خداوند را: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَثْمَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ

مادرت به عزایت بنشیند! تو کتاب خدا را نفهمیده‌ای؛ مگر نشنیده‌ای که خدای عزّ و جلّ می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾<sup>۲</sup> «خدا فقط کار پرهیزگاران را می‌پذیرد.» یقیناً چون دو نان دزدیدی به دو گناه دچار گردیدی و جهت سرقت دو انار هم دو گناه دیگر؛ و چون مال مردم را به جای اینکه به خودشان بازگردانی، بدون رضایت آنان به دیگری دادی، بی‌شک چهار گناه بر آن افزودی و چهل حسنه به چهار گناه نیفزودی.»

در حالی که او با نگاه تندی به من نگریست، برگشتم و رهایش ساختم. (۱) بعد امام علیه السلام فرمود: «با این‌گونه تفسیرهای زشت و عوام‌پسندانه گمراه می‌شوند و دیگران را هم به گمراهی می‌کشاند.»<sup>۳</sup>

۲. مائده / ۳۱.

۳. معانی الأخبار، شیخ صدوق، نشر جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۳ ق، ص ۳۵.

فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا؛<sup>۱</sup> «هر کس که عمل نیکی انجام دهد، پاداشش ده برابر است و هر کسی که به کردار زشتی دست یازد، کیفرش یک برابر است.» چون دو نان دزدیدم، دو گناه بود؛ و برای دزدیدن دو انار دو گناه (۴ = ۲ + ۲)، پس این شد چهار گناه؛ چون هر یک از آنها را در راه خدا صدقه دادم چهل ثواب خواهم داشت (۴۰ = ۱۰ × ۴)؛ از چهل حسنه در برابر چهار سیئه، چهار تا کم می‌شود و سی و شش حسنه برایم باقی می‌ماند (۳۶ = ۴ - ۴۰).

گفتم: «ثَكَلْتُكَ أَتُكَّ أَنْتَ الْجَاهِلُ بِكِتَابِ اللَّهِ أَمَا سَمِعْتَ أَنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ إِنَّكَ لَمَّا سَرَقْتَ رَغِيفَيْنِ كَانَتْ سَيِّئَتَيْنِ وَ لَمَّا سَرَقْتَ رُمَّانَيْنِ كَانَتْ أَيْضاً سَيِّئَتَيْنِ وَ لَمَّا دَفَعْتَهُمَا إِلَىٰ غَيْرِ صَاحِبَيْهِمَا بَغَيْرِ أَمْرِ صَاحِبَيْهِمَا كُنْتَ إِثْمًا أَضَفْتَ أَرْبَعَ سَيِّئَاتٍ إِلَىٰ أَرْبَعِ سَيِّئَاتٍ وَ لَمْ تُضِفْ أَرْبَعِينَ حَسَنَةً إِلَىٰ أَرْبَعِ سَيِّئَاتٍ؛

۱. انعام / ۱۶۲.

### وقف بیت المال توسط معاویه

علی علیه السلام در ضمن اشعاری به مسجد ساختن معاویه از منابع حرام اشاره کرده و او را سرزنش می‌کند:

سَمِعْتِكَ تَبْنِي مَسْجِدًا مِنْ خِيَانَةٍ  
وَأَنْتَ بِحَمْدِ اللَّهِ غَيْرُ مُؤَقَّتٍ  
شنیده‌ام که تو از راه خیانت [و  
اموال حرام]، مسجد می‌سازی و  
بحمدالله که در این راه توفیق نخواهی  
داشت.

كَمْ طُعِمَ الرُّمَّانَ مِمَّا زَنَتْ بِهِ  
جَرَتْ مَثَلًا لِلْخَائِنِ الْمُتَصَدِّقِ  
مثل تو همانند آن زن بد کاره  
است که از راه زنا انار تصدق می‌نمود  
که به نماد عینی خائن صدقه دهنده  
تبدیل گشت.

فَقَالَ لَهَا أَهْلُ الْبَصِيرَةِ وَالْتَمَى  
لَكَ الْوَيْلُ لِمَا تَزْنِي وَكَأَنَّكَ تَصَدَّقِي<sup>۱</sup>  
اهل بصیرت و تقوی به او گفتند:  
وای بر تو! نه زنا کن و نه صدقه بده!

### ۳. منت نگذاشتن در وقف

از دیگر شرایط وقف، منت

نگذاشتن به جامعه و افراد آن می‌باشد که در غیر این صورت عمل خیر باطل خواهد شد. قرآن درباره این شرط وقف می‌فرماید: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُبْعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذَى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»<sup>۲</sup>

«کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، سپس به دنبال انفاقی که کرده‌اند، منت نمی‌گذارند و آزاری نمی‌رسانند، پاداش آنها نزد پروردگارشان [محفوظ] است، و نه ترسی دارند، و نه غمگین می‌شوند.»

امام سجاده علیه السلام هم در دعای خود در صحیفه سجادیه، می‌فرماید: «أَجْرٌ لِلنَّاسِ عَلَى يَدِي الْخَيْرَ وَلَا تَمَحَّضَهُ بِالْمَنِّ»<sup>۳</sup>

خداوند! انجام کارهای خیر [همانند وقف] را برای مردم، به دست من اجرا کن و آن خیرات را با منت گذاری ضایع مگردان.»

۲. بقره / ۲۶۲.

۳. صحیفه سجادیه، دعای بیستم.

۱. بحار الأنوار، ج ۳۴، ص ۴۳۱.